

بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی

مجید فخری^۱

علی پازکی^{۲*}

فرزین خوشکار^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶

چکیده

راهبری شرکتی عاملی مؤثر بر نوع واکنش شرکت نسبت به تغییرات نرخ مالیات شرکتها است. هدف این پژوهش بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی می باشد. به منظور سنجش اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت دو شاخص متفاوت بر اساس پژوهش های گذشته تعریف شد. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش بر گرفته از صورت های مالی ۱۲۰ سال - شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۱ می باشد. پژوهش انجام شده از نظر نوع هدف جزء پژوهش های کاربردی است و روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی همبستگی می باشد. انجام پژوهش در چارچوب استدلال قیاسی - استقرایی صورت گرفته است و برای تجزیه و تحلیل فرضیه از تحلیل پانلی کمک گرفته شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش نشان داد که میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین توانایی مدیریت رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات را تحت تاثیر قرار می دهد.

واژگان کلیدی

توانایی مدیریت، بازده، حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران (Fakhri.m@hnhk.ac.ir)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران (نویسنده مسئول: Pazoki.m@hnhk.ac.ir)

^۳ مدرس گروه حسابداری و مدیریت، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران (f.khoshkar@hnhk.ac.ir)

مقدمه

با تفکیک مدیریت از مالکیت مشکلات نمایندگی بسیاری بین گروه‌های مختلف ذینفعان به وجود آمد. حاکمیت شرکتی مکانیزمی است که برای کاهش این مشکلات مطرح گردید. در رابطه با تاثیر حاکمیت شرکتی، مالیات یکی از موارد جذابی است که مورد توجه نهادهای مختلف قرار دارد. درحالی که سهامداران خواستار حداکثر شدن سود و ارزش شرکت می‌باشند؛ اما ممکن است سهامداران خواستار کاهش مالیات و پرداخت مالیات کمتر باشند. با این حال، جامعه خواستار این است که شرکت‌ها مالیات خود را به طور منصفانه شناسایی و پرداخت نمایند. در این بین، راهبری شرکتی می‌تواند بین نیازهای گروه‌های مختلف توازن برقرار نماید (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴). در این بین اجتناب مالیاتی، نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی به منظور کاهش مالیات است که می‌تواند از طریق انتقال درآمد هم یک منطقه با مالیات کم و یا قیمت‌گذاری انتقالی انجام شود. در اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون با هدف تبیین عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی صورت گرفته، تأکید هر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بوده است؛ این در حالی است که پژوهش‌های اخیر، ویژگی‌های شخصیتی مدیران را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده اجتناب مالیاتی بررسی می‌کند. همچنین شرکت‌های خصوصی به منظور کاهش هزینه‌ها، تلاش می‌کنند تا از پرداخت مالیات اجتناب کنند. آن‌ها دائماً به دنبال پیدا کردن راه‌های جدیدتری برای فرار از پرداخت مالیات هستند و برای دست یافتن به این مهم اقدام به استخدام مدیران متخصص و آشنا به قوانین مالیاتی می‌کنند تا از آشنایی آنها به ابهامات و نقاط ضعف موجود در قوانین و مقررات مالیاتی استفاده کنند و از پرداخت مالیات اجتناب کنند و در نهایت باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری شرکت شوند (دیرنگ و همکاران^۱، ۲۰۱۰).

با توجه به اینکه بر اساس برنامه‌های توسعه، دولت باید درصدد افزایش درآمدهای مالیاتی خود برآید (حسینی و کمیجانی، ۱۳۹۰)؛ در این راستا، اهمیت مطالعات مربوط به مالیات و عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی دولت بیش از پیش نمایان می‌گردد. بنابراین با توجه به مسائل ناشی از اجتناب از مالیات بر اقتصاد کشور و درآمدهای مالیاتی آن، در این تحقیق سعی شده است که تا ضمن بررسی برخی از ابعاد حاکمیت شرکتی بر فرایند اجتناب از مالیات، تأثیر توانایی مدیران بر رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات نیز بررسی شود.

بیان مسئله

یکی از این تصمیمات بسیار مهم مدیریتی، اجتناب از مالیات است. از دیدگاه سنتی اجتناب از مالیات، فعالیتی با ارزش افزوده برای شرکت‌ها است که موجب انتقال ثروت از دولت به سهامداران می‌شود (پارک و همکاران^۲، ۲۰۱۶). همچنین اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند لذا یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیات مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های

¹ Dyreng

² Park

کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند وجود مأموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوءاستفاده از منابع داخلی شرکت‌ها شده و حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود اجتناب مالیاتی، منافع نهایی سپر مالیاتی بهره را کاهش می‌دهد و ممکن است روی تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه تأثیرگذار باشد (قرنجیک و گرکز، ۱۳۹۷).

برخی از پژوهشگران استدلال نمودند که راهبری شرکتی عاملی مؤثر بر نوع واکنش شرکت نسبت به تغییرات نرخ مالیات شرکت‌ها می‌باشد. هنگامی که دولت ضعیف باشد، افزایش نرخ مالیاتی منجر به این می‌شود که شرکت‌ها تدابیری بیندیشند که مالیات بنگاه را کاهش دهند. شرکت‌ها این کار را از روش‌های طرق مختلفی مانند نقض و تخطی از قوانین و استفاده از خلأهای قانونی و غیره انجام می‌دهند. زمانی که راهبری شرکتی قوی باشد، افزایش نرخ مالیاتی بنگاه می‌تواند زمینه کسب بازدهی بیشتری را برای شرکت فراهم نماید. پژوهش‌های تجربی حاکی از آن است که بازار به سیاست‌های مالیاتی شرکت‌ها واکنش نشان می‌دهد و با واکنش منفی شرکت‌هایی را که رویه متهورانه‌ای در پیش گرفتند، جریمه می‌نمایند. درواقع، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند هزینه‌های غیر مالیاتی مستقیم و غیرمستقیمی برای شرکت به وجود آورد (هانلون و هیتزمن^۳؛ ۲۰۱۰). همچنین ساتوری^۴ (۲۰۰۸) بیان می‌کند که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل بوده، در حقیقت از یکسو قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به استراتژی مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد.

از طرفی توانایی مدیریتی مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد که می‌تواند شامل دانش مدیران در هموارسازی سود، مهارت مدیران در تخمین ارقام تعهدی، ادراک مدیران در انتخاب روش‌های حسابداری و آگاهی مدیران در انتخاب پروژه‌ها و خلاقیت مدیران در تخصیص بهینه منابع باشد (آندرو و همکاران^۵، ۲۰۱۳). هر یک از این توانایی‌ها می‌تواند بر روی اجتناب مالیاتی تأثیر بگذارد، چراکه مدیر در انتخاب و به کارگیری اصول و قواعد حسابداری و در تخمین ارقام تعهدی از قضاوت و برآورد استفاده می‌کند که این به نوبه خود بر سود و در نهایت اجتناب مالیاتی تأثیرگذار می‌باشد (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین اگر توانایی مدیریت در راهبری شرکت بالا باشد، سیاست‌های اتخاذ شده توسط وی خواهد توانست حداکثر سودآوری را برای شرکت به دنبال داشته باشد (هرمالین و وبساج^۶؛ ۲۰۱۷) در این حالت، استفاده از اجتناب مالیاتی به منظور رساندن سود به حد موردنیاز سهامداران ضروری نخواهد بود، چراکه مطالعات اخیر نشان داده

³ Hanlon, M. and Heitzman

⁴ Satori

⁵ Andreou

⁶ Hermalin, B. E., & Weisbach

است که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی علاوه بر اینکه به طور بالقوه برای شرکت ارزش افزوده ایجاد می‌کند، هزینه‌هایی را نیز به شرکت تحمیل می‌کند (رگو و ویلسون، ۲۰۱۲).

با توجه به این موارد در تحقیق به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که چه رابطه‌ای میان ابعاد حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات وجود دارد؟ همچنین این موضوع بررسی خواهد شد که آیا در شورت وجود یک رابطه معنی دار، توانایی مدیران رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات را تحت تأثیر قرار خواهد داد یا خیر؟

مبانی نظری پژوهش

توانایی مدیریت

یکی از سرمایه‌های انسانی که نقش مهمی در تبدیل منابع شرکت به درآمد و خلق ثروت برای سهامداران دارد، مدیران شرکت‌های تجاری هستند (بادآور نهدی و حشمت، ۱۳۹۷) اطلاعات مرتبط با قابلیت مدیران شرکت‌ها، از قبیل توانایی آنها در استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تأمین منابع، تخصیص بهینه منابع و دانش و تجربه آنها، یکی از ابعاد مهم ارزشمند دارایی‌های نامشهود شرکت‌های تجاری محسوب می‌شوند (غفاری و آشتیانی، ۱۳۹۴) در واقع می‌توان گفت که توانایی مدیریت بخشی از کارایی شرکت است که تحت تأثیر عوامل ذاتی آن شرکت قرار نگیرد. مدیران دارای توانایی ذاتی بیشتر، قدرت درک و تحلیل بیشتری از شرایط حال و آینده‌ی شرکت و صنعت دارند. همچنین توانایی مدیریتی به معنای توانایی مدیران در افزایش ارزش شرکت با استفاده مؤثر از منابع محدود در کل عملیات تجاری شرکت تعریف شده است (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). مدیران با سطح بالاتری از توانایی باید دانش و اطلاعات مرتبط بیشتر و درک بهتری از پیرامون صنعت داشته باشند. مدیران توانا می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و انجام برنامه‌ریزی‌های عملیاتی نقش مهمی در بالا بردن ارزش آتی شرکت داشته باشند (پارک و همکاران^۸، ۲۰۱۶). در زمینه رابطه توانایی مدیران با اجتناب از مالیات دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که مدیران توانمند در کنترل اثربخش منابع و همچنین با انگیزه حداکثر سازی سود، عموماً تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که پرداخت‌های مالیات بر درآمد را کاهش می‌دهد؛ درحالی که برخی معتقدند که مدیران توانمند با انگیزه‌های اخلاقی و یا نبود شرایط مناسب اقدام به اجتناب مالیاتی نمی‌کنند (حسینی القار و شعری، ۱۳۹۶).

اجتناب از مالیات

مالیات، هزینه‌ای است که بر تمام واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به‌عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به‌منظور کاهش هزینه مالیات خود را به

نامه‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند. به طور متداول، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به ابزارهای صرفه‌جویی مالیاتی اطلاق می‌شود که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین، ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (حسنی القار و شعری، ۱۳۹۶)

از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون و هیتزمن^۹، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی است، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است. بنابراین، از آنجا که اجتناب مالیاتی فعالیتتی به‌ظاهر قانونی است، به نظر رسد بیشتر از فرار مالیات در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است، قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل آن وجود دارد به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند. (حساس یگانه و رضایی، ۱۳۹۷). در ادبیات حسابداری، اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده، اجتناب مالیاتی به صورت کاهش آشکار مالیات به ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات تعریف می‌گردد. برخی اجتناب مالیاتی را به صورت انجام اقدامات قانونی به منظور کاهش بدهی مالیاتی تعریف می‌نمایند. در بعد محدود، تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ریشه در قانونی بودن اقدامات مؤدیان دارد (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴)

از دیدگاه هانلون و هیتزمن (۲۰۰۹) اجتناب از پرداخت مالیات به‌عنوان کاهش مالیات آشکار هر ریال از سود از قبل مالیات تعریف شده است از نظر آنها اجتناب مالیاتی به‌عنوان راهکار کاهش میزان مالیات تعلق‌گرفته به سود حاصل از عملکرد واحدهای تجاری، زنجیره‌ای از فعالیت‌ها و برنامه‌های استراتژیک کاملاً قانونی پیش‌رونده در اخذ معافیت‌های مالیاتی است که منجر به وجود آمدن فضای خاکستری در ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی و مالیاتی به افراد برون‌سازمانی می‌گردد. رگو^{۱۰} (۲۰۰۸) نیز اجتناب از پرداخت مالیات را به‌عنوان استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که به طور قانونی، پرداخت مالیات بر درآمد شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، تعریف کرده است.

حاکمیت شرکتی

موضوع حاکمیت شرکتی^{۱۱} به شکل کنونی ابتدا در دهه ۱۹۹۰ انگلستان، آمریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات ناشی از عدم اثربخشی هیئت‌مدیره در عملکرد شرکت‌های بزرگ مطرح شد (فرزین وش و همکاران، ۱۳۹۶). شیفر و ویشنی (۱۹۹۷) حاکمیت شرکتی را به معنای راهی که تأمین‌کنندگان مالی به وسیله آن می‌توانند از کسب بازده سرمایه‌گذاری‌های خود اطمینان حاصل کنند، تعریف نموده‌اند؛ اما راهبری شرکتی یک موضوع چند رشته‌ای است و در هر رشته چارچوب نظری متناسب با آن زمینه مطرح شده است. هر یک از آنها با استفاده از واژگان مختلف و به صورت متفاوت به موضوع راهبری شرکتی پرداخته‌اند که ناشی از زمینه‌های علمی خاصی است که به موضوع حاکمیت شرکتی می‌نگرند. به‌عنوان مثال، تئوری نمایندگی ناشی از زمینه‌های مالی و اقتصادی است، در صورتی که تئوری هزینه معاملات ناشی از

9 Hanlon, M. & S. Heitzman

10 Rego

11 Corporate Governance

تئوری -های اقتصادی، حقوقی و سازمانی است و نظریه‌های ذینفعان ناشی از یک دیدگاه اجتماعی در مورد موضوع حاکمیت شرکتی است (حساس یگانه، ۱۳۸۴). مکانیزمهای حاکمیت شرکتی برای عملکرد صحیح بازار سرمایه و کل اقتصاد کشور، حیاتی و لازمه جلب و حفظ اعتماد عمومی است. حاکمیت مناسب شرکتی این اطمینان را پدید می‌آورد که بنگاه‌ها سرمایه خود را به طور مؤثر بکار گرفته‌اند. به -علاوه این اطمینان را پدید می‌آورد که شرکت‌ها منافع دامنه وسیعی از گروه‌های ذینفع و همچنین جامعه‌ای را که شرکت در آن به فعالیت مشغول است، در نظر گرفته‌اند و هیئت‌مدیره در برابر سهامداران و شرکت پاسخگوست. زمانی که ساختار حاکمیت شرکتی از اصول ضعیفی برخوردار باشد، تضاد سرمایه‌گذاران بزرگ و کوچک نیز افزایش می‌یابد. مطالعات مربوط به حاکمیت شرکتی در ابتدا به منظور استفاده از آن در شرکت‌های خاص صورت می‌گرفت اما این موضوع گسترش یافته در بسیاری از کشورها به صورت قانون تدوین شد. بررسی وقایع مربوط به ورشکستگی شرکت‌های بزرگ از قبیل انرون، ووردکام، آدفی، سیکو، لیوسنت، گلوبال، کروسینگ، سان بیم، تیکو، اکس و بحران مالی ۱۹۹۷ آسیا که موجب زیان بسیاری از سرمایه -گذاران و ذینفعان شد نشان داد منشأ اصلی این وقایع، سیستمهای ضعیف حاکمیت شرکتی، دستکاری سود و گزارش سوددهی واهی و بی کیفیت بود. اغلب، مدیران این شرکتها با توسل به روشهای متقلبانانه نظیر طراحی و انجام معاملات صوری و ساختگی با اشخاص وابسته به قصد مدیریت سود، کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت سود را تا حد ممکن به پایینترین سطح تنزل داده بودند (بولو، ۱۳۸۵)

تحقیقات مختلف ابعاد مختلف حاکمیت شرکتی مانند استقلال هیئت مدیره، درصد اعضای غیرموظف، اندازه هیئت مدیره و... و اجتناب از مالیات را مورد بررسی قرار داده اند و به نتایج متفاوتی رسیده اند (لانیس و ریچاردسون^{۱۲}، ۲۰۱۱).

پیشینه پژوهش

آنوار کاماردین و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۸)^{۱۴} به بررسی تأثیر تنوع هیئت‌مدیره (جنسیت و تنوع نقش)، بر احتمال تقلب صورت وضعیت مالی مرتبط پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که تقلب بیانیه مالی به طور مثبت با تنوع نقش جنسیتی ارتباط دارد. علاوه بر این، بین ویژگی‌های حاکمیتی (اندازه هیئت‌مدیره، جلسه هیئت‌مدیره و نقش رئیس دوگانه) بر تقلب صورت وضعیت مالی تأثیر دارد. وانگ و همکاران (۲۰۱۷)^{۱۵} به بررسی رابطه‌ی بین توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانانه پرداختند. نتایج نشان می‌دهد بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانانه یک رابطه منفی وجود دارد. کوستر و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مدیران توانمند به دلیل درک بالایی که از محیط عملکردی شرکت‌ها دارند، می‌توانند تصمیمات تجاری را با استراتژی‌های مالیاتی همسو کرده و فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مؤثر را شناسایی کنند. آنها به

12 Lanis and richardson

13 Anuar Kamarudin

14 Anuar Kamarudin & et al

15 Wanga et al.3.

16 Koester

شواهد قابل اعتمادی مبنی بر مشارکت مدیران توانمند در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی (که پرداخت مالیات نقدی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد) دست یافتند. پارک و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های کره‌ای پرداختند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار بین توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی بود. نتایج نشان دادند که رابطه منفی و معنادار بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت بود. بعلاوه، نتایج نشان‌دهنده این بود که مدیران با توانایی بالاتر منجر به کاهش رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت می‌شوند. به‌طور کلی، نتایج پژوهش بیانگر تأثیر توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب از مالیات شرکت است. آرمسترانگ و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. آنها دریافتند تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی بیشتر در دو سر طیف یا به عبارتی دیگر دنباله‌های جدول آماری اجتناب مالیاتی وجود دارد. نکته قابل توجه و مهم این بود که این محققین رابطه مثبتی بین درصد اعضای غیرموظف و همچنین، مهارت مالی و خبرگی هیئت‌مدیره در سر طیف بالای تابع اجتناب مالیاتی مشاهده کردند؛ ولی این رابطه را در سر طیف پایین یا به‌بیان‌دیگر، دنباله پایین تابع اجتناب مالیاتی مشاهده نمودند. همچنین، آنها رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، چه در میانه و چه در میانگین تابع توزیع، مشاهده نمودند. آنها استدلال کردند که راهبری شرکتی درصدد ایجاد توازن اجتناب مالیاتی است و در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی خیلی بالا است، گرایش به کاهش آن دارد و در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی بسیار پایین است، نیز راهبری شرکتی درصدد افزایش اجتناب مالیاتی می‌باشد.

حسینی (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، توان مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری به این نتیجه رسیدند که با افزایش اجتناب مالیاتی، شرکت‌های با توان مدیریتی پایین‌تر مقادیر کمی از کارایی سرمایه‌گذاری را از خود نشان می‌دهند، در صورتی که شرکت‌های با توان مدیریت بالاتر مقادیر بیشتری از کارایی سرمایه‌گذاری را از خود نشان می‌دهند. همچنین با افزایش اجتناب مالیاتی، شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف کارایی سرمایه‌گذاری پایین‌تری را از خود نشان می‌دهند، در صورتی که شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی کارایی سرمایه‌گذاری بالاتری را از خود نشان می‌دهند. قرنجیک و گرگز (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان می‌دهند که بین درصد اعضای غیرموظف هیات‌مدیره و درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری وجود دارد اما بین دوگانگی وظایف مدیرعامل با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری مشاهده نگردید همچنین نتایج این تحقیق وجود رابطه معنادار بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت را مورد تأیید قرار می‌دهد. عسگری و عظیمی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که کیفیت حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد و هرچه میزان کیفیت

حاکمیت شرکتی بیشتر باشد اجتناب مالیاتی کمتری صورت می‌گیرد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که پاداش هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر هر چه میزان پاداش هیئت مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد. کی قبادی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان اثر تعدیل‌کنندگی توانایی مدیران بر رابطه بین اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی به این نتیجه رسیدند که بین توانایی مدیران و اجتناب از مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد و بین توانایی مدیران و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین توانایی مدیران بر رابطه بین اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. حسنی القار و شعری آناقیز (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، با اندازه‌گیری اجتناب از مالیات با استفاده از دو شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. حمیدیان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی ابعاد مختلف راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسید که بین نسبت اعضاء غیرموظف هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی آنها رابطه معنی‌داری وجود ندارد و نیز بین میزان مالکیت و نفوذ دولت در شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود ندارد سایر فرضیه‌های این پژوهش حاکی از آن است که بین نوسان پذیری بازده، ریسک تجاری بالا، پاداش هیئت مدیره، سهام تحت تملک اعضاء هیئت مدیره و درصد سهام شناور آزاد با اجتناب مالیاتی رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار و بین ریسک تجاری پایین، تفکیک مدیرعامل از اعضا و مالکیت سهامداران نهادی با اجتناب مالیاتی، رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اول: میان حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: توانایی مدیریت رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات نیمه تجربی پس رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره (استفاده از روش پانل با اثرات ثابت) و مدل‌های اقتصادسنجی انجام شده است. اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی شرکت‌ها، از طریق نرم‌افزار تدبیر پرداز و ره‌آورد نوین و پایگاه‌های اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شده است و برای تجزیه و تحلیل داده‌های از نرم‌افزارهای EViews9 و SPSS23 استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه ایران در یک بازه زمانی ۶ ساله طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۶ می‌باشد که با استفاده از روش حذف سیستماتیک و بعد از مدنظر قرار دادن معیارهای زیر تعداد ۱۲۰ شرکت به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند؛

۱. شرکت قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۶ در بورس فعال باشد؛
۲. سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی زمان تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشد؛
۳. فعالیت اصلی شرکت سرمایه گذاری، بانکداری، لیزینگ و نهاد مالی نباشد؛
۴. اطلاعات مورد نیاز در بخش تعریف متغیرها در دسترس باشد و
۵. شرکت در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداده باشد.

متغیرها و مدل تحقیق

متغیر وابسته در این پژوهش اجتناب از مالیات می باشد

در این تحقیق برای اندازه گیری اجتناب از مالیات به پیروی از دیرنگ و همکاران (۲۰۱۰) از نرخ مؤثر مالیاتی (ETR) استفاده شده است که به صورت زیر محاسبه می شود:

$$\text{ETR} = \frac{\text{Total Tax Eeence}_{it}}{\text{Pre Tax Income}_{it}} \quad \text{رابطه ۱:}$$

که در رابطه فوق $\text{Total Tax Eeence}_{it}$ کل هزینه مالیات شرکت i در سال t و $\text{Pre Tax Income}_{it}$ بیان کننده سود قبل از مالیات شرکت i در سال t است.

متغیر مستقل در این پژوهش حاکمیت شرکتی می باشد که برای اندازه گیری آن از سه شاخص زیر استفاده شده است

۱. دوگانگی وظیفه مدیرعامل (DUAL_{it}): به این معنا که اگر در وظیفه مدیرعامل دوگانگی وجود داشته باشد، این متغیر برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با ۰ است.

۲. اندازه هیئت مدیره (BRDSIZE_{it}): تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت

۳. استقلال هیئت مدیره (BRDIND_{it}): نسبت مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره می باشد.

متغیر میانجی در این پژوهش توانایی مدیریت می باشد که برای اندازه گیری آن بر اساس روش دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) از روش زیر استفاده شده است:

رابطه ۲:

$$\max_v \frac{\text{sales}}{v_1 \text{coGS} \quad v_2 \text{SG \& A} \quad v_3 \text{NetPPE} \quad v_4 \text{Opslease} \quad v_5 \text{R \& D} \quad v_6 \text{Goodwill} \quad v_7 \text{In tan}}$$

در این الگو؛

CoGS، بهای کالای فروش رفته‌ی شرکت Z در ابتدای سال t، SG&A، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش شرکت Z در ابتدای سال t، NetPPE، مانده‌ی خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت Z در ابتدای سال t، Opslease، هزینه‌ی اجاره‌ی عملیاتی شرکت Z در ابتدای سال t، &D، هزینه‌ی تحقیق و توسعه‌ی شرکت Z در سال t، Goodwill، سرقفلی خریداری شده شرکت Z در ابتدای سال t و Intan، خالص دارایی نامشهود شرکت Z در ابتدای سال t می‌باشد.

الگوی کارآیی شرکت (الگوی ۱) همانند الگوی فاما و فرنچ (۱۹۹۷) برای صنعت طراحی شده است تا عملکرد هر شرکت با شرکت‌های فعال در صنعت مورد نظر قابل مقایسه باشد. در این الگو، همچنین، برای هر کدام از متغیرهای ورودی یک ضریب خاص، γ ، در نظر گرفته شده است؛ زیرا اثر همه‌ی متغیرهای ورودی بر خروجی (فروش) یکسان نیست. مقدار محاسبه شده برای کارآیی شرکت نیز عددی بین صفر تا ۱ را در بر می‌گیرد که حداکثر کارآیی برابر ۱ است و هر چه مقدار به دست آمده کمتر باشد، به آن معناست که کارآیی شرکت پایین تر است. در هر صنعت شرکتی که بالاترین مقدار کارآیی را داشته باشد، در آن صنعت پیشرو است. هدف از محاسبه‌ی کارآیی شرکت، اندازه‌گیری توانایی مدیریت است و از آن جا که در محاسبات مربوط به کارآیی (الگوی ۳-۱)، ویژگی‌های ذاتی شرکت^{۱۸} نیز دخالت دارد، نمی‌توان توانایی مدیریت را به درستی اندازه‌گیری کرد؛ زیرا متأثر از این ویژگی‌ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی محاسبه می‌شود. مثلاً مدیران توانا تر بدون توجه به اندازه‌ی شرکتی که در آن فعالیت می‌کنند، درک بهتری از چشم انداز آینده‌ی شرکت و صنعت دارند؛ در حالی که مدیران شرکت‌های بزرگ تر به صورت بالقوه از قدرت چانه زنی بالاتری در رابطه با عرضه کنندگان برخوردارند. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) به منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در الگویی که ارائه داده اند، کارآیی شرکت را به دو بخش جدا؛ یعنی کارآیی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت، تقسیم کرده اند. آن‌ها این کار را با استفاده از کنترل ۵ ویژگی خاص شرکت (اندازه‌ی شرکت، سهام بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات)) انجام داده اند. هر کدام از این ۵ متغیر که ویژگی‌های ذاتی شرکت هستند، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نماید یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود کنند. این ۵ ویژگی در الگوی زیر که توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، ارائه شده، کنترل شده اند:

(۲)

FirmEfficiency

$$a_0 \quad a_1Size_t \quad a_2MarketShare$$

$$a_3FreeCashFlowIndicator \quad a_4Age$$

$$a_5ForeinCurrencyIndicator$$

$$YearIndicator$$

که در آن؛ SIZE، اندازه شرکت t در سال t و برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت؛ Market Share، سهم بازار شرکت t در سال t و برابر است با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت؛ Free Cash Flow Indicator، افزایش (کاهش) در جریان‌های نقد عملیاتی شرکت t را نشان می‌دهد که در صورت مثبت بودن جریان‌های نقدی عملیاتی، برابر یک و در صورت منفی بودن، برابر صفر در نظر گرفته شده است؛ Age، عمر پذیرش شرکت t در بورس اوراق بهادار و برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است؛ Forein Currency Inddicator، صادرات شرکت t در سال t و برای شرکت‌هایی که صادرات داشته اند، برابر ۱ در غیر این صورت، صفر در نظر گرفته شده است و باقی مانده‌ی الگوی (S) نیز نشان دهنده‌ی میزان توانایی مدیریت است. (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲).

همچنین در این تحقیق تاثیر متغیرهای کنترلی اندازه شرکت (لگاریتم دارایی‌های شرکت)، اهرم مالی (ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها) و بازده دارایی‌ها (تقسیم سود سالیانه به کل دارایی) بر رابطه میان متغیرهای مستقل، میانجی و وابسته بررسی خواهد شد.

بر این اساس مدل‌های پژوهش به شرح زیر ارائه خواهد شد.

مدل اول:

$$ERT_{it} = \beta_0 + \beta_1 DUAL_{it} + \beta_2 BS_{it} + \beta_3 BI_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 ROA + \epsilon_{it}$$

مدل دوم:

$$ERT_{it} = \beta_0 + \beta_1 DUAL_{it} + \beta_2 BS_{it} + \beta_3 BI_{it} + \beta_4 Managerial + \beta_5 (Managerial * Corporate Governance index) + \beta_6 Lev_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \beta_8 ROA + \epsilon_{it}$$

که در آن اجزای مدلها به شرح زیر می باشد:

ERT: نرخ موثر مالیاتی (شاخص اجتناب از مالیات)؛

Managerial: توانایی مدیریت؛

DUALit: دوگانگی وظیفه مدیرعامل؛

BS: اندازه هیئت مدیره؛

BI: استقلال هیئت مدیره؛

SIZE: اندازه شرکت؛

Lev: اهرم مالی؛

ROA: بازده دارایی ها؛

 ε_{it} : ضریب ثابت

یافته های تحقیق

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
ERT	۷۲۰	۰.۱۴	۰.۱۲	۰.۰۰۰	۰.۴۰
Manageria 1	۷۲۰	۰.۰۰۷	۰.۰۰۸	-۰.۶۴۴	۰.۵۱
DUAL	۷۲۰	۰.۲۲	۰.۴۶	۰.۰۰۰	۱.۰۰
BS	۷۲۰	۴.۹۸	۰.۴۴	۰.۰۰۰	۷.۰۰
BI	۷۲۰	۱.۹	۱.۴۳	۰.۰۰	۵.۰۰
FS	۷۲۰	۱۳.۴۴	۱.۴۴	۱۱.۱۱	۱۹.۲۱
Lev	۷۲۰	۰.۶۳	۰.۲۳	۰.۰۰۴	۱.۰۲
ROA	۷۲۰	۰.۱۶	۰.۱۲	-۰.۰۳	۰.۶۹

متوسط (۰.۰۰۷) توانایی مدیران نشان می دهد که در مجموع توانایی مدیران شرکت ها مثبت بوده است و متوسط اجتناب مالیاتی شرکت ها (بر اساس مؤثر مالیاتی) نرخ به طور میانگین ۱۴ درصد می باشد که با نرخ مالیات قانونی که معمولاً ۲۵ درصد می باشد فاصله دارد. بررسی های بیشتر حاکی از این مطلب است که برخی از شرکت ها توانستند اجتناب مالیاتی نمایند و علی رغم اینکه سودده بودند و در شرایط عادی باید مالیات پرداخت مینمودند، کلاً از پرداخت مالیات شانه خالی نمودند. همچنین، برخی از شرکتها نیز در برخی از سالها، مالیاتی بیشتر شناسایی و پرداخت نمودند که این مبین آن است که برخی از فعالیتها نرخ مالیاتی متفاوتی دارند و فعالیتهای شرکت باعث شده مالیاتی بیشتر متوجه شرکت شود و به اصطلاح سیاست معکوس اجتناب مالیاتی اتخاذ نمودند. همچنین آمار نشان می دهد که ۲۲ درصد از شرکتها دارای

دوگانگی در وظیفه مدیرعامل بوده اند و متوسط تعداد اعضای هیئت مدیره در حدود ۵ نفر و حداکثر ۷ نفر بوده است. همچنین نسبت مدیران غیر موظف به کل اعضای هیئت مدیره در شرکت‌های مورد مطالعه ۱.۹ نفر بوده است.

برآورد مدل اول

فرضیه اول: میان حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات رابطه معناداری وجود دارد.

در انتخاب مدل داده‌های ترکیبی با دو حالت کلی روبرو هستیم. در حالت اول عرض از مبدأ برای کلیه شرکتها یکسان است که در این صورت با روش پول و در حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام شرکتها متفاوت است که در این حالت روش پانل انتخاب می‌شود. برای شناسایی دو حالت مذکور از آزمون اف - لیمر استفاده می‌کنیم.

در هر دو روش پول و پانل ضریب شیب مقداری ثابت است ولی عرض از مبدأ در مدل پول ثابت و در مدل پانل متغیر است. مدل پانل را می‌توان به دو طبقه جدید رده بندی نمود. اگر عرض از مبدهای متفاوت مدل‌های پانلی با متغیرهای توضیحی مدل رگرسیون، همبستگی معناداری داشته باشند (و به صورت تصادفی تعیین نشوند) می‌گوییم الگو از نوع اثرات ثابت است. چنانچه عرض از مبدهای متفاوت الگوهای پانلی با متغیر توضیحی مدل رگرسیون، همبستگی معناداری نداشته باشند (و به صورت تصادفی تعیین شوند) گفته می‌شود الگو از نوع اثرات تصادفی است. هر دو الگوی اثرات ثابت و تصادفی در طبقه برآورد پانلی قرار می‌گیرند. در برآورد یک مدل که داده‌های آن از نوع ترکیبی است، ابتدا باید نوع الگوی برآورد مشخص شود.

جدول ۲- نتایج انتخاب الگو برای برآورد مدل اول تحقیق

نتیجه	آزمون هاسمن			آزمون چاو یا لیمر				مدل‌ها
	مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار کای-دو	مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار	آزمون اثرات	
مدل با اثر ثابت	۰/۰۰۰۴	۱۰	۱۱۲/۴۳	۰/۰۰۰	(۱۶۷.۴۳۲)	۵/۴۳	مقدار F	مدل اول
				۰/۰۰۰	۱۳۴	۷۱۱/۸۹۰	مقدار کای-دو	

با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر، از آنجایی که مقدار *P-Value* این آزمون کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۰۰۰)، همسانی عرض از مبدها رد شده و لازم است در برآورد مدل از روش داده‌های پانل استفاده شود. همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون هاسمن، از آنجایی که مقدار *P-Value* این آزمون نیز کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۰۰۴)، بنابراین در برآورد می‌بایست روش اثرات ثابت بکار برده شود.

جدول ۳- نتایج برآورد مدل اول

VIF	نتیجه	مقدار احتمال	مقدار t	مقدار ضرایب	پارامترها
-	مثبت و معنی دار	۰/۰۰۰	۹/۵۶	۰/۰۶	مقدار ثابت
۲/۳۴	منفی و معنی دار	۰/۰۲۷	-۲/۷۷	-۰/۰۵	DUAL
۳/۳۲	بی معنی	۰/۴۱۱	۱/۳۴	۰/۱۷	BS
۱/۸۹	منفی و معنی دار	۰/۰۰۰	-۴/۷۷	-۰/۱۴	BI
۱/۲۳	مثبت و معنی دار	۰/۰۰۰	۳/۵۴	۰/۰۴۵	Lev
۱/۱۵	منفی و معنی دار	۰/۰۰۲	-۳/۵۶	-۰/۰۰۵	FS
۲/۲۳	بی معنی	۰/۲۷۷	-۱/۶۶	-۰/۲۴	ROA
۰/۰۰۰	مقدار احتمال F		۱۱/۵۵	مقدار F	
۱/۹۳	دوربین واتسون		۰/۵۱۳۳	ضریب تعیین	
			۰/۴۷۶۰	ضریب تعیین تعدیل شده	

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود، دوگانگی نقش مدیرعامل با ضریب (-۰/۰۵) و استقلال هیئت مدیره با ضریب (-۰/۱۴) در جدول منفی و معنی دار هستند؛ اما اندازه هیئت مدیره با ضریب (۰/۱۷) در جدول بی معنی است و از مدل حذف می شود. در میان متغیرهای کنترلی نیز اندازه شرکت در مدل منفی و معنی دار و اهرم مالی مثبت و معنی دار است؛ اما بازده دارایی ها در مدل بی معنی است و از مدل حذف می شود.

همچنین در مدل نشان داده شد که C در مدل با ضریب ۰/۰۶ معنی دار است، یعنی مدل با عرض از مبدأ برآورد می شود. همچنین با توجه با معنی داری آماره F (۰/۰۰۰) در سطح اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت که در مجموع مدل از معناداری بالایی برخوردار است.

معروف ترین آماره ی نیکویی برازش ضریب تعیین (R^2) می باشد و مقدار آن بین صفر و یک قرار دارد. اگر R^2 زیاد یعنی نزدیک به یک باشد، مدل داده ها را به خوبی برازش کرده است. درحالی که اگر R^2 پایین یعنی نزدیک به صفر باشد، مدل برازش خوبی از داده ها ارائه نداده است. توجه به ضریب تعیین تعدیل شده می توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی توانسته اند به میزان ۴۷/۶۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کنند که می توان گفت در سطح مناسبی است

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳ سطح معنی داری (P -Value) آماره t مربوط به متغیر دوگانگی مدیرعامل کوچکتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۲۷) یعنی معنی دار است و ضریب آن (۰/۰۵-) منفی می باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با ۲/۷۷- می باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می گیرد؛ همچنین سطح معنی داری (P -Value) آماره t مربوط به متغیر استقلال هیئت مدیره کوچکتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰) یعنی معنی دار است و ضریب آن (۰/۱۴-) منفی می باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با ۴/۷۷- می باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می گیرد؛ اما سطح معناداری اندازه هیئت مدیره (۰/۴۱۱) بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین در مجموع می توان گفت که حاکمیت شرکتی با توجه به رابطه منفی و معنادار دو شاخص از سه شاخص در نظر گرفته شده برای آن رابطه منفی و معناداری با اجتناب از مالیات دارد و با افزایش حاکمیت شرکتی از میزان اجتناب از مالیات شرکتها کاسته می شود و در نتیجه فرضیه اول پژوهش تایید می گردد

برآورد مدل دوم

فرضیه دوم: توانایی مدیریت رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات را تحت تاثیر قرار می دهد.

جدول ۴- نتایج انتخاب الگو برای برآورد مدل دوم تحقیق

نتیجه	آزمون هاسمن			آزمون چاو یا لیمر				مدلها
	مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار کای-دو	مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار	آزمون اثرات	
مدل با اثر ثابت	۰/۰۰۰	۶	۱۵۵/۱۱	۰/۰۰۰	(۱۴۴.۵۹۰)	۸/۳۳	مقدار F	مدل دوم
				۰/۰۰۰	۱۲۳	۶۵۳/۵۴	مقدار کای-دو	

با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر، از آنجایی که مقدار P -Value این آزمون کمتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۰۰)، همسانی عرض از مبدأها رد شده و لازم است در برآورد مدل از روش داده‌های پانل استفاده شود. همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون هاسمن، از آنجایی که مقدار P -Value این آزمون نیز کمتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۰۰)، بنابراین در برآورد می‌بایست روش اثرات ثابت بکار برده شود.

جدول ۵- نتایج برآورد مدل دوم

V IF	نتیجه	مقدار احتمال	مقدار t	مقدار ضرایب	پارامترها
-	مثبت و معنی دار	۰/۰۰۰	۱۴/۳۲	۰/۱۲	مقدار ثابت
۱ ۲/۷	منفی و معنی دار	۰/۰۳۷	-۲/۶۵	-۰/۱۸	Managerial
۱ ۲/۱	منفی و معنی دار	۰/۰۰۱	-۳/۴۳	-۰/۱۳	DUAL× Managerial
۵ ۲/۵	بی معنی	۰/۱۶۶	۱/۷۷	۰/۳۴	BS × Managerial
۴ ۱/۳	منفی و معنی دار	۰/۰۰۰	-۲/۳۲	-۰/۰۰۲	BI × Managerial
۷ ۱/۳	مثبت و معنی دار	۰/۰۰۰	۶/۴۳	۰/۰۰۳	Lev
۲ ۱/۳	منفی و معنی دار	۰/۰۲۱	-۵/۱۱	-۰/۱۱	FS
۱ ۲/۰	منفی و معنی دار	۰/۰۰۴	-۲/۲۳	-۰/۱۷	ROA
۰ ۰/۰۰	مقدار احتمال F		۷/۵۴	مقدار F	
۸ ۱/۷	دورین واتسون	۰/۴۶۰۹		ضریب تعیین	
		۰/۴۱۳۵		ضریب تعیین تعدیل شده	

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، توانایی مدیریت با ضریب (-۰/۱۸) و متغیرهای متغیرهای (متغیر توانایی مدیریت * دوگانگی مدیرعامل) و (متغیر توانایی مدیریت * استقلال) با ضریبهای (-۰/۱۳ و -۰/۰۰۲) در جدول منفی و معنی دار هستند؛ اما (متغیر توانایی مدیریت * اندازه هیئت مدیره) با ضریب (۰/۳۴) در جدول بی معنی است و از مدل حذف می‌شود. در میان متغیرهای کنترلی نیز اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها در مدل منفی و معنی دار و اهرم مالی مثبت و معنی دار است.

همچنین در مدل نشان داده شد که C در مدل با ضریب ۰/۱۲ معنی دار است، یعنی مدل با عرض از مبدأ برآورد می شود. همچنین با توجه با معنی داری آماره $F(۰/۰۰۰)$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت که در مجموع مدل از معناداری بالایی برخوردار است.

معروف ترین آماره ی نیکویی برازش ضریب تعیین (R^2) می باشد و مقدار آن بین صفر و یک قرار دارد. اگر R^2 زیاد یعنی نزدیک به یک باشد، مدل داده ها را به خوبی برازش کرده است. درحالی که اگر R^2 پایین یعنی نزدیک به صفر باشد، مدل برازش خوبی از داده ها ارائه نداده است. توجه به ضریب تعیین تعدیل شده می توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی توانسته اند به میزان ۴۱/۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کنند که می توان گفت در سطح مناسبی است.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۵ سطح معنی داری (P -Value) آماره t مربوط به متغیر (توانایی مدیریت * دوگانگی مدیرعامل) کوچکتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۱) یعنی معنی دار است و ضریب آن (-۰/۱۳) منفی می باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با -۳/۴۳ می باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می گیرد؛ همچنین سطح معنی داری (P -Value) آماره t مربوط به متغیر (توانایی مدیریت * استقلال هیئت مدیره) کوچکتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰) یعنی معنی دار است و ضریب آن (-۰/۰۰۲) منفی می باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با -۲/۳۲ می باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می گیرد؛ اما سطح معناداری متغیر (متغیر توانایی مدیریت * اندازه هیئت مدیره) (۰/۱۶۶) بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین در مجموع می توان گفت که توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات، با توجه به رابطه منفی و معنادار دو شاخص از سه شاخص در نظر گرفته شده تاثیر منفی و معناداری دارد؛ یعنی در شرکت هایی که توانایی مدیران در آنها بالا است، حاکمیت شرکتی مناسب تاثیر معکوس بیشتری بر اجتناب از مالیات شرکتها دارد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش تاثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی بررسی شد. به این منظور اطلاعات ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان داد که حاکمیت شرکتی شامل دو شاخص آن یعنی دوگانگی و وظیفه مدیرعامل و استقلال هیئت مدیره رابطه منفی و معناداری با اجتناب از مالیات دارند. همچنین این نتایج نشان داد در صورتیکه در شرکت های مورد مطالعه توانایی مدیریت در سطح بالایی باشد، دوگانگی و وظیفه مدیر عامل؛ یعنی جدایی نقش از هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره بدین صورت که نسبت مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره بیشتر باشد، شرکتها به میزان کمتری اقدام به اجتناب از مالیات خواهند کرد؛ اما نتایج این پژوهش نشان داد که اندازه و تعداد اعضای هیئت مدیره رابطه ای با اجتناب از مالیات در شرکتها ندارد و همچنین توانایی مدیریتی بالا نیز نمی تواند این رابطه را تحت تاثیر قرار دهد

این نتایج مطابق با یافته های پارک و همکاران (۲۰۱۶) و عسگری و عظیمی (۱۳۹۷) می باشد نتایج پارک و همکاران (۲۰۱۶) نشان دهنده رابطه منفی و معنادار بین توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی بود. عسگری و عظیمی (۱۳۹۷) نیز نشان دادند که کیفیت حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد و هرچه میزان کیفیت حاکمیت شرکتی بیشتر باشد اجتناب مالیاتی کمتری صورت میگیرد.

منابع و مآخذ

۱. بادآور نهندی، یونس، حشمت، نسا (۱۳۹۷) اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهامداران، حسابداری مدیریت، سال ۱۱، ش ۳۸، ۹۳-۱۰۸
۲. بولو. قاسم. (۱۳۸۵) نظام راهبری شرکت و تأثیر آن بر کیفیت سود. سایت بورس، شماره ۵۲
۳. پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسین؛ امینی نیا، میثم (۱۳۹۳) بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۴، ش ۵۲، ۶۹-۵۸
۴. حساس یگانه یحیی، (۱۳۸۴) مبانی نظری حاکمیت شرکتی، مجله حسابدار شماره، ۱۶۸، ۱۰-۱۳
۵. حساس یگانه، یحیی؛ رضایی، شهروز (۱۳۹۷) مدلی برای تأثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۵، ش ۵۸، ۲۷-۵۸
۶. حسنی القار، مسعود؛ شعری آناقیز، صابر (۱۳۹۶) بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، دانش حسابداری، دوره ۸، ش ۱، ۱۰۷-۱۳۴
۷. حمیدیان، محسن (۱۳۹۶) بررسی ابعاد مختلف راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش سرمایه گذاری، سال ششم، ش ۲۳، ۲۲۹-۲۴۳
۸. حسینی، عبدالله (۱۳۹۸) بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، توان مدیریت و کارایی سرمایه گذاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی
۹. عسگری، محمدرضا و عظیمی، نرگس (۱۳۹۷) رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۴، ش ۱، ۱۷۹-۱۹۱
۱۰. فرزین وش، اسداله؛ دادگر، یداله؛ مهرآرا، محسن و نجارزاده، ابوالفضل (۱۳۹۶) نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص های عملکرد نظام بانکی، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ش ۸۲، سال ۲۵، ۲۶۱-۳۱
۱۱. قرنجیک، آرزو و گرگز، منصور (۱۳۹۷) بررسی رابطه بین برخی مکانیزمهای حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال ۱۸، ش ۷۰، ۱۷۵-۱۹۲
۱۲. کی قبادی، امیررضا؛ فتحی، سمیه؛ حیدری، زهره (۱۳۹۷) اثر تعدیل کنندگی توانایی مدیران بر رابطه بین اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، سال دوم، ش ۲، ۹۹-۱۱۱
۱۳. مشایخی، بیتا؛ سیدی، سید جلال (۱۳۹۴) راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، دانش حسابداری، سال ششم، ش ۲۰، ۸۳-۱۰۳

14. Andreou, P.C., Ehrlich, D., Christodoulos L. (2013). Managerial ability and firm performance: evidence from the global financial crisis, <http://www.efmaefm.org>
15. Anuar Kamarudin, Khairul, Adibah, Wan, Ismail, Wan, AezzaKamaruzzaman, Airul (2018). Board Members Diversity and Financial Statements Fraud: Malaysian Evidence. Springer Nature Singapore Pte Ltd.. Said et al. (eds.), State-of-the-Art Theories and Empirical Evidence, https://doi.org/10.1007/978-981-10-6926-0_10
16. Armstrong, C., Blouin, J., Jagolinzer, A., Larcker, D. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*, 60 (1), 1 – 17
17. Demerjian, P., Lev, B., McVay, S. (2012). Quantifying management ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7), 1229-1248
18. Dyreng, S., Hanlon, M., Maydew, E. (2010) The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*, Vol. 85 (4), 1163-1189
19. Hanlon, M. & S. Heitzman. (2010). A Review of Tax Research, *Journal of Accounting and Economics*, 50.
20. Hermalin, B. E., & Weisbach, M. S. (2017). Assessing Managerial ability: Implication for corporate governance. Forthcoming in the *Handbook of the Economics of Corporate Governance*
21. Koester, A., Shevlin, T., Wangerin, D. (2016). The role of managerial ability in corporate tax avoidance. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2753152.
22. Lanis, R..., Richardson (2011). Corporate social responsibility and tax aggressiveness: an empirical analysis *J. Account. Public policy*.
23. Park, Joonho., Youl Ko, c., Jung, H., & Yong-Seok Lee, Y, S. (2016). Managerial Ability and Tax Avoidance: Evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, Vol. 23(4): 449– 477
24. Rego, S.O. and R. Wilson, executive Compensation, Tax Reporting aggressiveness, and future Firm Performance. (2008). working Paper. University of Iowa. [Online]. www.ssrn.com
25. Rego, S.O., Wilson, R.J., (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50, 775- 810
26. Satori, Nicolas. (2008). effects of strategic tax behaviors on corporate governance. university of Michigan

The effect of management ability on the relationship between corporate governance and tax avoidance

Majid Fakhri¹

Ali Pazoki^{*2}

Farzin Khoshkar³

Date of Receipt: 2019/12/31 Date of Issue: 2020/01/16

Abstract

Corporate governance is a factor influencing the type of corporate response to corporate tax rate changes. The purpose of this study is to investigate the impact of management ability on the relationship between corporate governance and tax avoidance. In order to measure overconfidence of self-management, two different indicators were defined based on past research. The information required for this research is from the 120-year financial statements of the company in the period 1396-1391. Research is applied research and its method is correlative in nature and content. Research has been done in the framework of deductive-deductive reasoning and panel analysis has been used to analyze the hypothesis. The results of the testing of research hypotheses showed that there is a significant relationship between corporate governance and tax avoidance. It also affects the ability to manage the relationship between corporate governance and tax avoidance.

Keyword

Ability to manage, Return, Corporate governance, Tax avoidance

1. Nasser Khosro Institute of Higher Nonprofit Education, Saveh, Iran (Fakhri.m@hnhk.ac.ir).
2. Nasser Khosro Institute of Higher Nonprofit Education, Saveh, Iran (*Corresponding Author: Pazoki.a@hnhk.ac.ir).
3. Nasser Khosro Institute of Higher Nonprofit Education, Saveh, Iran (f.khoshkar@hnhk.ac.ir).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی